

کنگ دژ و ویرگیهای آن:

رصدخانه نیمروز

ا. و. میر

* این «رصدخانه» در میانه‌ی دو کرانه‌ی باختری و خاوری خشکی‌های جهان ساخته شده بود.

* گزینش این جایگاه برای «رصدخانه» ی نیمروز، از آن روی بوده است که هرگاه در کنگ دژ نیمروز یا ظهر باشد، سراسر خشکیهای آباد جهان، در آن هنگام روز است! که از برآمدن آفتاب [بامداد] تا فرو رفتن آن [شامگاه] باشد. و این نشان‌گر آن است که بیهوده و دلبخواهی آنجا را برای اینکار برنگزیده بوده‌اند. همه بر پایه‌ی دانش و برنامه‌ی از روی آگاهی بوده است.

* و اینکه چرا این «رصدخانه» را در عرض ۵/۳۳ درجه‌ی شمالی و جنوبی ساخته بودند، این بود که می‌دانستند: گستره‌ی زمین تنها تا عرض ۶۷ درجه است که آبادان است و بیرون از آن جایی نمی‌تواند آباد باشد پس «کنگ دژ» را در کانون راستین آبادانی جهان یا میانه‌ی جهان آبادان برپا کرده بودند.

* گروهی برای گمراه کردن مردم، از سَرِرشک، جایگاه کنگ دژ را در جایی دیگر، در هند دانسته و نوشته‌اند! جز که، چنانکه دیدیم: کمربند نیمروزی می‌بایستی در جایی با عرض ۳۳/۵ درجه شمالی و جنوبی باشد تا بتواند از میانه‌ی سرزمین‌های آبادان جهان بگذرد و ظهر یا نیمروز جهانی درست همانجا باشد و چنین جایی را با چنین ویژگیهایی، در هند نمی‌توانیم یافت

با بهره‌گیری از: تقویم و تاریخ در ایران، استاد بهروز، فرهنگ

فارسی استاد معین و ما للهند، ابوریحان بیرونی.

سیستان نامی است آشنا که آنرا همه‌ی ما از دیرباز می‌شناسیم. به ویژه در شاهنامه فردوسی، بارها به آن برخورد داشته‌ایم. این نامواژه، را در نوشتارهای پژوهشی به گونه‌های سگستان سگزستان و به تازی سجستان نیز نوشته‌اند. که آن از واژه‌ی «سک» یا «سکا» و نیز «ساکا» گرفته شده است.^۱ اینها مردمانی بودند که «فرهاد دوم» پادشاه اشکانی آنان را در «زرنگ» جای داد [نزدیک به سال ۱۲۴ پیش از میلاد] و از آن پس نام «زرنگ» به سگستان [ساکاستان] و سپس به سیستان که جایگاه مردمان و تبار ساکایی باشد برگردانده شد. * در همان زمانها به سرزمین «زرنگ» یا سیستان «زاؤل» نیز گفته می‌شد. زاؤل همان «زابل» امروز است. * «زاؤل» یا زابل در زبان فارسی همان «ظهر» تازی است که امروز همه می‌گوییم.

* واژه‌ی «مزوله» که در زبان تازی «ساعت آفتابی» است از واژه‌ی فارسی «زاؤل» گرفته شده است.

* مانند واژه‌ی «نصف‌النهار» که برگردانی است از واژه‌ی فارسی «نیمروز» [نصف = نیم] + [النهار = روز]

* فرنام «نیمروز» را از آن روی به سیستان داده بودند که به هنگام ظهر، کمربند نیمروزی «رصد»های باستانی ایران زمین، از آنجا می‌گذشت و هنگام ظهر از آنجا روز به دو نیمه بخش می‌شد از بامداد تا ظهر و از ظهر تا شامگاه.

* نام «رصدخانه»ی سیستان «جاودان کت»، «بهشت کنگ» «کنگ دژ» یا «گنبد زمین» بود که به تازی آنرا «قبة الارض» نوشته‌اند.

۱. در تاریخ‌ها به این مردم سکه، اسکوت، اسکیت و سیت‌ها نیز گفته شده است.